

## Identifying the Characteristics of the Distinguished School in the Education Transformation Document

**Seyedeh Masoumeh Nasser Sheykholeslami:** PhD student, Department of Educational Management, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

**Masoumeh Oladian\*:** Faculty member, Department of Educational Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

**Abolfazl Bakhtiari:** Faculty member, Institute of Educational Studies, Tehran, Iran. (Educational Research and Planning Organization)

**Abstract:** The aim of this study was to present an empowerment model for primary school teachers based on lesson study approach (case study in Tehran). The research method was applied in terms of purpose and mixed (qualitative-quantitative) in terms of data collection and the nature of the data. The statistical population in the qualitative phase of the study included education experts and distinguished teachers in education office districts. The sample size in the qualitative phase was calculated based on the theoretical saturation principle using purposive sampling method. In the quantitative phase, the statistical population of the study included all 3,500 primary school teachers of Tehran. Cochran's formula was used to estimate the sample size and 350 participants were selected using cluster sampling. Interviews and questionnaires were used to collect data in the present study. The validity and reliability of the instruments were reviewed and confirmed. In the qualitative phase, the data analysis method was theoretical coding that was done using MAXQDA software. In the quantitative phase, inferential statistics tests such as Pearson correlation, one-sample t-test, structural equation modeling, and heuristic factor analysis were performed using SPSS-v21, Smart PLS-v2, and Lisrel-v8.8. The results of factor analysis showed that out of the 120 available indicators (items), 18 main components were identified. Accordingly, the components of knowledge, skill, attitude as constituent factors and individual factors, organizational factors and group factors were identified as effective factors.

**Keywords:** Empowerment, Primary teachers, The Approach of Studying.

**\*Corresponding author:** Faculty member, Department of Educational Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

**Email:** m.oladian@yahoo.com

## مقدمه

توانمندساز کردن، به معنای طراحی ساختار است، به نحوی که در آن افراد ضمن کنترل خود، آمادگی پذیرش مسؤلیت های بیشتری را نیز داشته باشند. سازمانی که توانمندساز باشد، در معلمان شرایطی را ایجاد می کند که آنان زندگی کاری خود را در پرتو آن، کنترل کنند و به رشد کافی برای پذیرش مسؤلیت های بیشتر در آینده دست یابند. توانمندسازی، ساختاری است که می تواند سنت ها را بشکند. در سازمان های توانمند، معلمان راه های بیشتری برای حل مشکلات خود در پیش دارند. در این سازمان ها توانمندسازی در واقع تمرین اعتماد کردن به یکدیگر در زمینه آموزشی، تبادل آراء و احترام به یکدیگر است. توانمندسازی را باید یک فرآیند شناخت دانست و در رشد و رهبری بکار برد. این فرآیند، انگیزه و احترام به قانون را در میان معلمان بوجود می آورد (میرمحمدی و همکاران 1396).

معلمان، هسته مرکزی دستگاه های تعلیم و تربیت و مجریان حقیقی این امر حیاتی می باشند، تأثیر معلم به ویژه معلمان ابتدایی در جامعه به قدری است که می توان گفت سعادت مملکت در دست کسانی است که در تعلیم و تربیت فرزندان کشور اشتغال دارند. با توجه به اعتباری که برای معلمان ابتدایی در نظر گرفته می شود، سرمایه گذاری در جهت انتخاب و تربیت معلم، بایستی با نهایت دقت و توجه باشد تا اجرای برنامه های آموزشی و پرورشی به طرز صحیح و مطلوبی عملی شود. این در حالی است که پژوهشها نشان می دهند که معلمان ابتدایی از نظر صلاحیت آموزشی، تدریس، علمی، رفتاری، شخصیتی، اجتماعی، فکری، مدیریتی، عملکردی، اخلاقی، حرفه ای، یادگیری مادام العمر و فناوری از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند و صلاحیت آنان در مولفه های فناوری، یادگیری مادام العمر، حرفه ای، عملکردی، فکری و تدریس از سطح متوسط نیز پایینتر است. این بدان معنی است که برای توانمندسازی معلمان ابتدایی، کار جامع و برنامه ریزی شده ای انجام نمی گیرد و

تبعات توانمندنبودن معلمان مورد رصد قرار نمی گیرد (معروفی و کرمی 1394).

معلمان ابتدایی نسبت به بسیاری از کارشناسان هم سطح خود در خارج از آموزش و پرورش، منزوی تر هستند و از تعامل و همکاری با یکدیگر در سراسر روز لذت کمتری می برند. این موضوع، نشان از زنگ خطری دارد که با جامعه رو به پیشرفت و در حال تحول امروزی سازگار نیست و به همین دلیل، آموزش و پرورش روز به روز ضعیف و ضعیف تر می شود. حال، یکی از روشهایی که به توانمندسازی این معلمان کمک می کند و باعث توسعه حرفه ای ایشان می گردد، روش درس پژوهی است (اسکات و مولر 2020 و علی محمدی و همکاران 1398).

تعامل بین معلمان ابتدایی، استفاده از تجارب معلمان با تجربه و مشاورت فعال، کلید اصلی درس پژوهی است (پژمان و همکاران 1396). چارچوب معرفت شناختی درس پژوهی را می توان ترکیبی از عمل گرایی و سازنده گرایی اجتماعی دانست. سازنده گرایی اجتماعی، همان جهان بینی است که در آن افراد در پی درک دنیایی هستند که در آن زندگی و کار می کنند. از اینرو، سازنده گرایی اجتماعی بر ماهیت اجتماعی دانش و اعتقاد به این که دانش از طریق تعاملات اجتماعی ایجاد می شود، تأکید دارد (کرسول و پات 2016).

درس پژوهی با یادگیری تحولی نیز در ارتباط است. این نوع یادگیری، فرایندی پویا است که ملاک های نامعین را دگرگون می سازد تا آنها را فراگیر، باز و قادر به تغییر یابد (شپیر و همکاران 2020). این نظریه معلمان را توانا می کند تا تغییرات مستمری در شیوه ادراک خود از جهان ایجاد کنند و مطابق با آن کار روزانه خود را انجام دهند (معروفی و کرمی 1394).

تعاریف گوناگونی از توانمندسازی صورت گرفته است که در ذیل به چند تعریف شاخص از این تعاریف اشاره خواهیم نمود. ولی باید یاد آور شد که این واژه از جمله واژه هایی است که صاحب نظران مدیریت در تعریف آن اتفاق نظر ندارند. واژه ایمپاور در فرهنگ آکسفورد،

آن بهره می گیرند ولی در فهرست کشورهای که امروزه از درس پژوهی استفاده می کنند، می توان نام همه کشورهای معروف دنیا را دید (سرکارآرانی 1397).

با این وجود، خطر سادگی درس پژوهی در این امر نهفته است که درس پژوهی می تواند به آسانی مورد تحریف و تغییر قرار بگیرد، چرا که متخصصان امر تدریس همواره تشویق شده اند از نوآوری صرفاً برای نوآوری بودن حمایت کنند؛ آن ها بی محابا و با بی دقتی از رویکرد «اقتباس و تلخیص» مطالب استفاده کرده و روش انتقال و استفاده مجدد از مطالب به کار می گیرند. یعنی همان روشی که حتی در قرن بیستم نیز در تعاملات کلاسی و در جریان به کارگری و شفاف سازی نوآوری ها و مداخلات آموزشی در کلاس های درس، هنوز با سطح حرفه ای این حرفه بالینی، فاصله زیادی دارد (ثانی و همکاران 1397).

«درس پژوهی» نظریه ای برای بهسازی عمل و بستر موثر پژوهش در آموزش برای تغییر دی ان ای آموزش و غنی سازی یادگیری است. پیش فرض اساسی این نظریه- که توجه بسیاری از پژوهشگران تربیتی جهان را به خود جلب کرده- بر این اصل استوار است که برای بهسازی آموزش، اثربخش ترین نقطه برای شروع، کلاس درس و بهترین راه برای بهبود عملکرد معلمان و دانش آموزان تلاش جمعی و مشارکتی آن ها جهت بهسازی سناریوهای فرهنگی آموزش است. سناریوهای فرهنگی آموزش ناظر بر بنیادها و باورهای پنهان فرهنگی درباره آموزش و تدریس و چیزی بیش از طرح درس است و بر این پیش فرض بنیادین استوار است که آموزش امری فرهنگی است. در راستاری توسعه حرفه ای پایدار معلمان، نیاز شدیدی به درس پژوهی وجود دارد. درس پژوهی پیشینه ای کهن (صد ساله) داشته و سوابق موفقیت آمیزی را برای خود به ثبت رسانده است. اصول درس پژوهی کاملاً با نتایج تحقیقات در مورد روش یادگیری افراد مطابقت و هم سوئی دارند. همچنین ویژگی های مدیریتی درس پژوهی با بهترین روش های یادگیری حرفه ای کاملاً همسوئی دارد. در نهایت باید گفت که، روش های درس پژوهی با عوامل

قدرتمند شدن»، «مجوز دادن»، «ارائه ی قدرت» و «توانا شدن» معنی شده است. در معنای خاص قدرت بخشیدن و دادن آزادی عمل به افراد در جهت اداره خود و در مفهوم سازمانی به معنای تغییر در فرهنگ و شهامت در ایجاد و هدایت یک محیط سازمانی است، توانمندسازی یک رویکرد مدیریتی است که به معلمان اختیار اساسی داده می شود تا خودشان به اتخاذ تصمیم بپردازند و نیز توانایی لازم برای اتخاذ تصمیم گیری مستقل را به دست آورند. (ملکی و عبدالحممدی ۱۳۹۴). توانمندسازی مفهومی پر ابهام و غیر قطعی داشته و افراد مختلف متناسب با ویژگی های خود از آن استنباطی دارند و بر پایه استنباط خودشان تعاریفی ارائه کرده اند. برخی توانمندسازی را به قادر ساختن افراد برای انجام کار تعریف می کنند. در واقع توانمندسازی به معنای آن است که افراد را به طور ساده تشویق کنیم تا نقش فعال تری در کارشان ایفا کنند و تا آنجا پیش روند که مسئولیت بهبود فعالیت های خود را به عهده بگیرند و در نهایت به حدی از توان برسند که بدون مراجعه به مسئول بالاتر بتوانند تصمیمات کلیدی بزرگی بگیرند. از سوی دیگر کی، پتربیک و همکاران (2017) معتقدند توانمندسازی حرفه ای، شامل تلاش هماهنگ در محیط آموزشی برای افزایش انگیزه برای معلمان می شود، به طوری که هر معلم در بهترین حالت مایل به دست یابی به آن است. توانمندسازی به عنوان یک فرایند، انگیزه برای معلمان را موجب می شود تا بهترین توانایی را کسب کند که در دنیای مدرن امروز از اهمیت حیاتی برخوردار است.

درس پژوهی منظومه و مجموعه ای به ظاهر ساده از رویه فکورانه و مشارکتی (عمل تأملی همکارانه) می باشد (بالکارد 2015). هارگریوز (2013) درس پژوهی را توسعه حرفه ای مشارکتی می نامد. ساده بودن درس پژوهی از این جهت مهم است که هر تیم کوچکی از معلمان می توانند آن را اجرا کنند. از آنجائیکه درس پژوهی نیازمند فناوری و یا تجربه پیشین نیست، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان از

به نظر می‌رسد که آموزش و پرورش با وجود مزایایی که برای معلمان، به ویژه معلمان ابتدایی به همراه دارد، به این رویکرد ارزشمند چندان توجهی ندارد. در عوض، به تقویت موانعی پرداخته که مانع توانمندسازی معلمان این مقطع گردیده است. یکی از این کاستی‌ها، استفاده از اساتیدی است که خود نقش معلمی را درک نکرده‌اند و به عنوان اساتید آموزش‌های ضمن خدمت برای برگزاری دوره‌های آموزشی مد نظر قرار می‌گیرند. این اساتید، هرچند در جایگاه خود برجسته هستند اما از بطن جامعه آموزش و پرورش و معلمان نیستند و از چالش‌های ایشان اطلاع درستی ندارند. کاستی دوم، عدم نگرش جامع به دانشها و مهارتهای گوناگون و نیازهای اجتماعی عصر حاضر در برنامه آموزشی معلمان ابتدایی می‌باشد. عدم استفاده کامل و صحیح از تکنولوژی و وسایل کمک آموزشی در آموزشهای ضمن خدمت، عدم استفاده کامل از توان موجود معلمان ابتدایی، عدم دسترسی کامل به ابزارهای پژوهشی مناسب برای معلمان، عدم تناسب محتوی دروس و کارهای عملی که از معلمان خواسته می‌شود. علاوه بر این، عدم وجود پژوهشهای کافی در زمینه توانمندسازی معلمان ابتدایی، موجب شده تا در امر سازمان آموزش و پرورش با چالش مواجه شود. این عوامل باعث شده تا لزوم بررسی الگویی جامع برای توانمندسازی معلمان ابتدایی حس شود و استفاده از رویکرد ارزشمند درس پژوهی در این امر به یاری گرفته شود. بر این اساس، پژوهش حاضر، قصد دارد با شناسایی مولفه‌های توانمندسازی معلمان ابتدایی با رویکرد درس پژوهی، اصلاح مسیر آتی و در نهایت توصیف مقوله‌های محوری، به ارائه مدلی جهت توانمندسازی معلمان ابتدایی بپردازد بنابراین با توجه خلأهای پژوهشی در رابطه با ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی همچنین با توجه به مطالب ارائه شده، اهمیت و ضرورت پژوهشی در رابطه با توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی مشهود است. لذا هدف از

بهبود رفاه و سلامتی کارکنان همسوئی و هماهنگی کامل دارند (سرکارآرانی 1397).

کشت و رز و اناری نژاد (1398)، پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر آموزش درس پژوهی بر توانمندسازی معلمان" انجام دادند. جامعه آماری پژوهش شامل معلمان مقاطع متوسطه بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین نمرات توانمندسازی معلمان شرکت کرده در فرایند درس پژوهی و معلمان شرکت نکرده در این فرایند تفاوت معناداری وجود دارد؛ همچنین نتایج نشان داد که بین نمرات معلمان شرکت کرده و شرکت نکرده در فرایند درس پژوهی در استانداردهای طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی، ایجاد و حفظ جو یادگیری، اجرا و انجام تدریس، سنجش و برقراری ارتباط با نتایج یادگیری، ارزیابی و انعکاس یادگیری و آموزش، همکاری بیشتر معلمان، فعالیت در جهت تقویت دانش محتوایی و تکنولوژی آموزشی تفاوت معناداری وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که درس پژوهی می‌تواند منجر به توسعه توانمندی‌های معلمان شود. عربان (1398)، پژوهشی با عنوان "یادگیری معلم با درس پژوهی" انجام داد. جامعه آماری، مقاله‌های مرتبط با درس پژوهی معلمان بوده است. این پژوهش از زووع مروری بوده و در آن عنوان می‌شود که علی‌رغم آهنگ سریع اتخاذ این شکل از توسعه حرفه‌ای، این رویکرد هنوز هم در کشورهای دیگر غیر از ژاپن، جدید و تازه محسوب می‌شود، و بنابراین مدارس و معلمان در این کشورها هنوز در مرحله‌ی اولیه‌ی اتخاذ نوآوری برای نظام‌های آموزشی خود هستند. مجموعه‌ای از ادبیات درس پژوهی وجود دارد، اما ما هنوز درک روشن و گسترده‌ای از یادگیری معلم با انگیزه از درس پژوهی و نیز الگویی جا افتاده‌ای برای آن نداریم. نتایج پژوهش که با مرور مبانی نظری انجام شده است نشان می‌دهد که روش درس پژوهی بر یادگیری معلمان تاثیر می‌گذارد. این یادگیری هم به صورت رسمی و هم غیر رسمی ایجاد می‌شود.

گزینه‌ای بود. روایی پرسشنامه از نظر صوری و محتوایی از طریق چند نفر از خبرگان، روایی همگرا از طریق محاسبه میانگین واریانس استخراج شده و روایی واگرا از طریق محاسبه جذر AVE به تأیید رسید. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه 0/968 به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آلفای کرونباخ، میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، ماتریس جذر AVE، کولموگروف اسمیرنف، تحلیل عاملی تأییدی و t تک‌نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزار lisrel استفاده شد. بر اساس داده‌های بدست آمده پایایی ابعاد مورد تأیید است زیرا آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی بالای 0.7 است و همچنین  $AVE > 0.5$  است. روایی همگرا مورد تأیید است، زیرا  $CR > 0.7$ ؛  $AVE > 0.5$ ؛  $CR > AVE$  و همین‌طور روایی واگرا نیز مورد تأیید است زیرا  $MSV < AVE$  و  $ASV < AVE$ . در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه میماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد. پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.TMU.REC.1399.327 ثبت شد.

### یافته‌ها

در این بخش به تحلیل کمی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و lisrel و در دو حوزه تجزیه و تحلیل (توصیفی و استنباطی) و تفسیر نتایج پرداخته می‌شود. در این بخش به توصیف اطلاعات جمعیت شناختی و همین‌طور توصیف متغیرهای پژوهش از منظر شاخص‌های گرایش به مرکز، شاخص‌های پراکندگی و شاخص‌های شکل توزیع پرداخته می‌شود. طبق یافته‌های توصیفی پژوهش، 45٪ از آزمودنی‌ها زن و 55٪ مرد بودند. میزان تحصیلات 61٪ از آزمودنی‌ها لیسانس و 39٪ فوق لیسانس و بالاتر بودند. 19٪ از

پژوهش حاضر، ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی است.

### روش کار

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی (مورد مطالعه شهر تهران) می‌پردازد، روش پژوهش برحسب زمان وقوع پدیده، گذشته‌نگر؛ برحسب نتیجه، تصمیم‌گرا؛ بر حسب هدف، کاربردی؛ بر حسب منطق اجرا، قیاسی و استقرایی؛ بر حسب زمان اجرای پژوهش، مقطعی؛ بر حسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی)؛ بر حسب محیط پژوهش، کتابخانه‌ای؛ برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و برحسب میزان تمرکز بر پدیده مورد نظر پهنانگر بود.

جامعه آماری پژوهش، در بخش کیفی شامل جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش، شامل خبرگان آموزش و پرورش و معلمان برتر مناطق آموزش و پرورش است که شرط انتخاب آنها برای جمع آوری داده‌ها، داشتن حداقل مدرک دکتری و داشتن شغل اجرایی و آموزشی در زمینه درس پژوهی، پژوهش‌گری و ... می‌باشد. و در بخش کمی تمام معلمان ابتدایی شهر تهران که مشغول به کار بودند. تعداد کل معلمان ابتدایی شهر تهران 3500 نفر می‌باشد. این تعداد به صورت تمام وقت در مدارس ابتدایی مشغول فعالیت هستند. حجم نمونه در بخش کیفی با اشیاع نظری (20 نفر) از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند استفاده شد که 20 نفر با استفاده از اصل اشیاع به عنوان حجم نمونه، در نظر گرفته شد. مشخصات مصاحبه شونده‌گان شامل 7 نفر از مدیران و معاونین آموزش و پرورش، 8 نفر از معلمان ابتدایی برتر و 5 نفر از اساتید دانشگاه فرهنگیان خبره با رتبه دانشیار بودند و در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران 350 نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برآورد شد. ابزار گردآوری داده‌ها، در بخش کیفی، مصاحبه و در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته بر مبنای مقیاس 5

آزمودنی‌ها زیر 10 سال، 38٪ بین 10 تا 20 سال و 43٪ 30 سال، 29٪ بین 30 تا 40 سال و 47٪ بالای 40 سال بالای 20 سال سابقه کار داشتند. 24٪ از آزمودنی‌ها زیر سن داشتند.

جدول 1. اطلاعات جمعیت شناختی نمونه و توصیف متغیرها

Table 1. Demographic characteristics of the sample and description of the variables

سازه	بعد	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	آماره K-S
توانمندسازی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس‌پژوهی	دانش	دانش محتوایی	3.22	0.04	-0.23	0.12	0.602
		دانش تدریس	3.23	0.04	0.16	0.01	0.583
		دانش ارزشیابی	3.26	0.04	0.11	0.01	0.749
	مهارت	مهارت فکری	3.40	0.04	0.24	-0.27	0.772
		مهارت تدریس	3.17	0.04	0.43	-0.14	0.756
		مهارت درس‌پژوهی	3.36	0.04	0.33	-0.33	0.694
	نگرش	تمایل به همکاری	2.96	0.04	0.13	0.03	0.545
		تمایل به مذاکره	3.21	0.04	0.26	0.12	0.647
		رضایت درونی	3.14	0.04	-0.17	0.13	0.622
عوامل اثرگذار بر توانمندسازی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس‌پژوهی	عوامل فردی	خودکارآمدی	3.19	0.04	0.33	-0.02	0.778
		صداقت	3.01	0.04	-0.12	0.21	0.646
		تحصیلات	3.04	0.04	-0.18	0.02	0.571
	عوامل سازمانی	ساختار سازمانی	3.30	0.04	0.25	-0.23	0.703
		فرهنگ سازمانی	3.37	0.04	0.37	-0.23	0.646
		حمایت سازمانی	3.39	0.04	0.52	-0.32	0.571
	عوامل گروهی	اعتماد	3.49	0.04	0.57	-0.39	0.703
		ارتباط	3.44	0.03	0.29	-0.26	0.701

دهنده و عوامل فردی، عوامل سازمانی و عوامل گروهی به عنوان عوامل موثر شناسایی شد.

در شناسایی شاخص‌ها و مولفه‌های مدل دانشگاهی آینده با تمرکز بر تحولات فعلی آموزش عالی، با 20 خبره مصاحبه انجام شد و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، که نرم‌افزاری حرفه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده توسط روش‌های کیفی و ترکیبی است، مصاحبه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. و پس از کدگذاری، مولفه‌ها تعیین شدند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که تدوین برنامه عملیاتی برای توسعه درس پژوهی در مدارس ابتدایی، شناسایی آسیب‌های استفاده نکردن از درس پژوهی در مدارس، تعیین اولویت‌های برنامه‌های آموزشی به منظور بهبود توانمندی معلمان در درس پژوهی، ارزیابی مستمر میزان توسعه توانمندی معلمان، تشکیل مرکز تخصصی درس پژوهی در آموزش و

میانگین و انحراف استاندارد همه مولفه‌ها آورده شد؛ همچنین یافته‌های حاصل از جدول 1 نشان داد، آماره کشیدگی در تمامی مولفه‌ها بین 5، 5- می‌باشد؛ یعنی توزیع داده‌ها از این جنبه نرمال بوده و شکل توزیع خیلی تخت یا بلند نمی‌باشد؛ همین‌طور آماره چولگی در تمامی مولفه‌ها بین 3، 3- و حتی بین 2، 2- قرار دارد، یعنی توزیع داده‌ها از این جنبه نرمال بوده و می‌توان گفت شکل توزیع دارای چولگی مثبت یا منفی نیست. همچنین مطابق با جدول بالا، به دلیل بیشتر شدن سطح معناداری از 0.05، می‌توان در سطح اطمینان 95٪ بیان داشت که فرض مبنی بر نرمال بودن داده‌ها پذیرفته می‌شود.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از نظریه داده‌بنیاد 18 مقوله و 120 شاخص به دست آمد که بر این اساس، مولفه‌های دانش، مهارت، نگرش به عنوان عوامل تشکیل

مهارت‌های حرفه‌ای در درس پژوهی به معلمان به عنوان سازوکارهای توانمندی‌های معلمان ابتدایی بر پایه نشانگرهای مرتبط به درس پژوهی شناسایی شدند.

پرورش مناطق، نیازسنجی برای موضوعات درسی متناسب با درس پژوهی، استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش و توانمندی معلمان، حفظ ارتباط با خانواده‌ها و دادن تسهیلات به معلمان با مهارت و آموزش

جدول 2. آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور بررسی وضعیت موجود

Table 2. One-sample t-test to check the current situation

ارزش آزمون = 3		اختلاف میانگین	Sig.	مقدار تی	مولفه	بعد	سازه
فاصله اطمینان 95% از اختلاف	حد بالا						
0.301	0.144	0.223	0.000	5.577	دانش محتوایی	دانش	توانمندسازی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی
0.300	0.160	0.230	0.000	6.470	دانش تدریس		
0.339	0.184	0.262	0.000	6.646	دانش ارزشیابی		
0.475	0.323	0.399	0.000	10.327	مهارت فکری	مهارت	
0.252	0.098	0.175	0.000	4.448	مهارت تدریس		
0.436	0.285	0.361	0.000	9.381	مهارت درس پژوهی		
0.050	-0.123	-0.036	0.410	-0.824	تمایل به همکاری	نگرش	
0.287	0.138	0.213	0.000	5.609	تمایل به مذاکره		
0.226	0.050	0.138	0.002	3.085	رضایت درونی		
0.272	0.117	0.194	0.000	4.910	خودکارآمدی	عوامل فردی	
0.093	-0.080	0.007	0.878	0.154	صداقت		
0.123	-0.045	0.039	0.364	0.908	تحصیلات		
0.381	0.219	0.300	0.000	7.269	ساختار سازمانی	عوامل سازمانی	
0.443	0.293	0.368	0.000	9.646	فرهنگ سازمانی		
0.468	0.320	0.394	0.000	10.518	حمایت سازمانی		
0.555	0.415	0.485	0.000	13.615	اعتماد	عوامل گروهی	
0.510	0.375	0.443	0.000	12.847	ارتباط		

با استفاده از نرم افزار lisrel به بررسی مدل ارائه شده پرداختیم: همان‌طور که در شکل‌های بالا نشان داده شده است، کلیه مقادیر پارامترهای مربوط به مدل به همراه بارهای عاملی و ضرایب مسیر نشان داده شده است. با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری تی به دست آمده در شکل‌های بالا (مقادیر تی بالاتر از 2.58) می‌توان چنین استنباط کرد که بین عوامل روابط مستقیم وجود دارد. همانگونه که شاخص‌های  $\chi^2/df$ ، RMSEA نشان می‌دهند، مدل برازش مناسبتری را به داده‌ها ارائه می‌کند. خروجی‌های الگو بصورت مقابل بود:  $\chi^2/df$ ، RMSEA (ریشه میانگین خطای برآورد) 0/067، CFI (برازندگی تعدیل یافته)

همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود، سطح معناداری در همه مولفه‌ها (بغیر از مولفه‌های تمایل به همکاری، صداقت و تحصیلات) کمتر از 0.05 می‌باشد، بنابراین فرض صفر با 95 درصد اطمینان برای این مولفه‌ها رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، وضعیت این مولفه‌ها در حد مطلوب (با توجه به اختلاف میانگین که اعدادی مثبت هستند) است. اما برای مولفه‌های تمایل به همکاری، صداقت و تحصیلات سطح معناداری آزمون بیشتر از 0.05 می‌باشد بنابراین، فرض برای این مولفه‌ها قبول می‌شود.

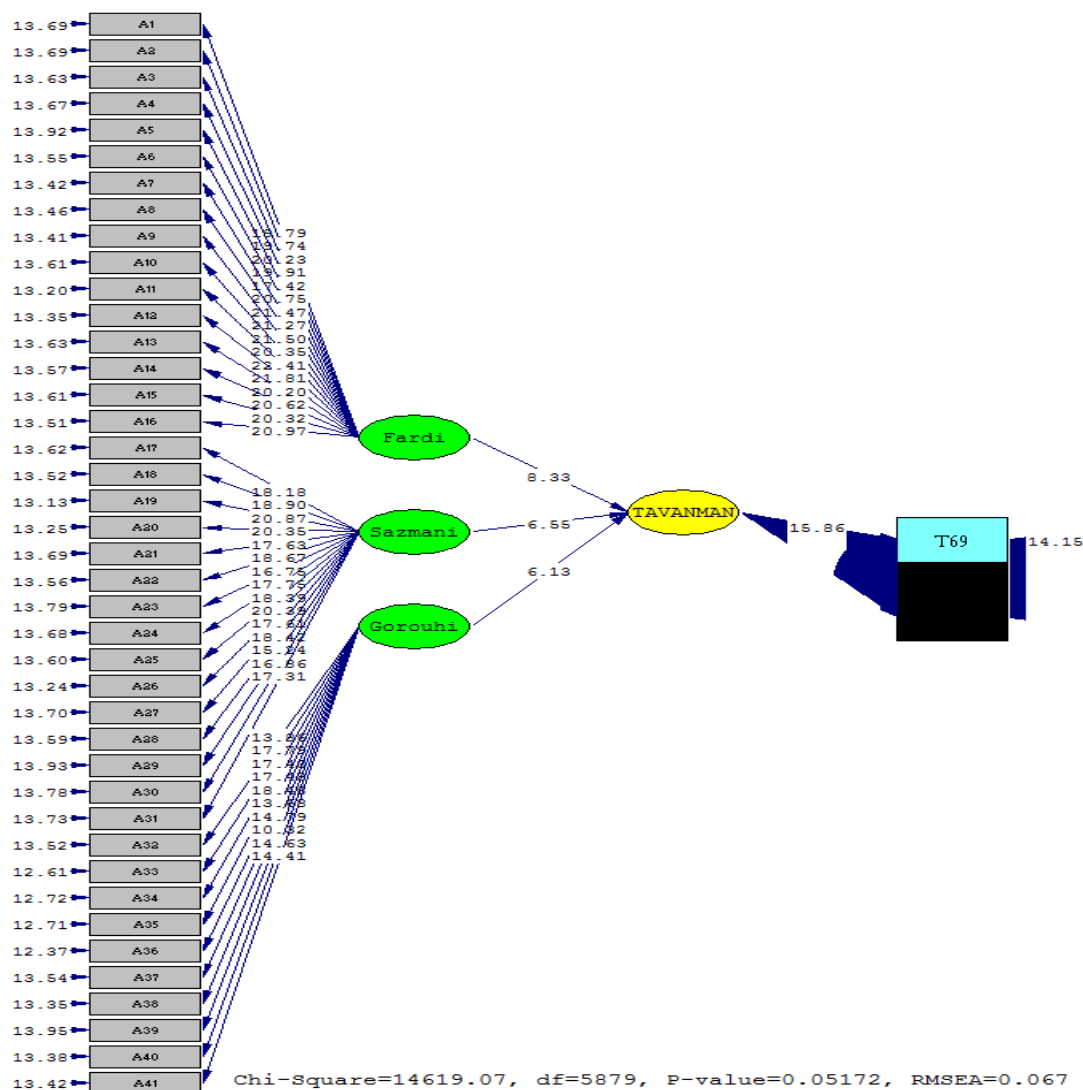
در جدول زیر، ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری آورده شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، همه مسیرها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

0/98 NFI (برازندگی نرم شده) 0/97 GFI (نیکویی برازش) 0/94 AGFI (نیکویی برازش تعدیل شده) 0/92 بر آورد شد که نشان داد شاخص های برازش تحلیل مسیر مدل در حد مجاز و قابل قبولی بودند.

جدول 3. ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آنها

Table 3. Path coefficients, significance values and their status

وضعیت	مقدار t	ضریب مسیر	مسیر	
تایید شد	8.33	0.48	←	عوامل فردی
تایید شد	6.55	0.44		عوامل سازمانی
تایید شد	6.13	0.41		عوامل گروهی



شکل 1. مدل مفهومی پژوهش در حالت معناداری ضرایب

Figure 1. Conceptual model of research in the significant mode of coefficients



### بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، مشخص شد که برای توانمندسازی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی، باید به سه مولفه دانش، مهارت و نگرش در معلمان توجه کرد. بدین معنی که توانمندسازی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی، این مولفه ها را در بر می گیرد. زمانی که صحبت از دانش معلمان می شود، دانش محتوایی، دانش ارزشیابی و دانش و قدرت تدریس ایشان مد نظر است. اینکه معلمان، مشکلات درسی دانش آموزان را به درستی درک کنند و شناخت کافی و کاملی از دانش آموزان داشته باشند و همچنین بر محتوای کتابهای درسی تسلط کافی داشته باشند باید در کنار تسلط بر فناوریهای نوین و آگاهی از رسانه های آموزشی قرار گیرند. امروزه فناوریها همه جا را فراگرفته است و ما با دانش آموزانی هوشمند طرف هستیم. بنابراین، معلمان نباید از این میدان عقب بمانند. یکی از شرایط معلم توانمند، دانش وی در زمینه فناوریهای نوین و استفاده از این فناوریها در روند تدریس است. علاوه بر این، نوع ارزشیابی محتوای درس به کلی تغییر کرده است و توانمندی معلمان نشان می دهد که چگونه با توجه به پیچیدگی های درسی، موارد مختلف را مدیریت می کنند. معلم توانمند، نوآوری های لازم را در مقوله تدریس دارا می باشد. معلم در صورتی توانمندی لازم را دارد که راهبرد آموزشی مورد استفاده وی، با فلسفه درس پژوهی هماهنگ باشد. مهارت معلم در ایجاد مشارکت و کار تیمی در بین دانش آموزان یکی از عوامل توانمند بودن است. معلمان توانمند، موضوعات مختلف را بر اساس نیاز دانش آموز بررسی و در قالب درس پژوهی آنها را در اختیار دانش آموزان قرار می دهند و در واقع فضایی ایجاد می کنند که دانش آموزان از مشارکت و ارزیابی یکدیگر نهراسند و به راحتی و با تکیه بر موضوع مورد نظر باهم مشارکت کنند. اما برای رسیدن به این جایگاه در بین معلمان، عوامل مختلفی دخیل هستند. از آن میان، می توان به عوامل فردی مانند میزان خودکارآمدی، حس مشارکت پذیری، صداقت، عدالت

جویی و مرتبط بودن تحصیلات با شغل معلمی اشاره کرد. معلمان خودکارآمد که البته تحصیلاتشان در زمینه کاریشان می باشد به ویژه برای مقاطع ابتدایی بسیار فعالانه می توانند عمل کنند.

یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار بر توانمندسازی معلمان مبتنی بر رویکرد درس پژوهی، عوامل سازمانی است که می توان از ساختار، فرهنگ و حمایت سازمانی در این گروه صحبت کرد. ساختار مدرسه باید بر اساس مشارکت پذیری بنا نهاده شود و میزان اختیارات معلم در زمینه روش تدریس، نوع انتخاب محتوا و ارزشیابی مشخص گردد. از طرف دیگر، فرهنگ مسلط بر مدرسه بسیار حائز اهمیت است. اینکه آیا مدرسه به پژوهش گروهی، یادگیری گروهی و حمایت از ارزشهای اجتماعی اهمیت میدهد یا خیر بسیار مهم است. اما همه این عوامل به جز حمایت همه جانبه تاثیرگذار نخواهند بود. حمایت سازمانی که بیشتر حمایت مدیران مدارس و برنامه ریزان آموزشی را مورد توجه قرار می دهد، بسیار نقش حیاتی ایفا می کند. حمایت مدیریت از فرایند درس پژوهی، اختصاص بودجه لازم به فرایند درس پژوهی، برنامه ریزی مدون برای به کارگیری رویکرد درس پژوهی، حمایت از معلمان در روشهای مورد استفاده تدریسی و مدیریت تجهیزات فناورانه به روز، از نشانه های حمایت از توانمندسازی و درس پژوهی معلمان است. عوامل گروهی یکی دیگر از عوامل موثر بر توانمندسازی معلمان بر اساس رویکرد درس پژوهی است. ایجاد اعتماد بین معلمان و نهادینه سازی این اعتماد در مدرسه منجر به اجرای راحت درس پژوهی و توانمندی معلمان و دانش آموزان به صورت همزمان می شود. همچنین، ارتباطات باز بین معلمان، مدیریت و معلمان و ارتباط با والدین بر هم افزایی و مشارکت در زمینه اجرای رویکرد درس پژوهی تاثیرگذار است.

پژمان و همکاران (1396)، در تحقیقی به بررسی اثربخشی برنامه درس پژوهی بر مهارت های حرفه ای معلمان شاغل در آموزش و پرورش پرداختند. نتایج کار آنها

مدارس ابتدایی، شناسایی آسیب های استفاده نکردن از درس پژوهی در مدارس، تعیین اولویت های برنامه های آموزشی به منظور بهبود توانمندی معلمان در درس پژوهی، ارزیابی مستمر میزان توسعه توانمندی معلمان، تشکیل مرکز تخصصی درس پژوهی در آموزش و پرورش مناطق، نیاز سنجی برای موضوعات درسی متناسب با درس پژوهی، استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش و توانمندی معلمان، حفظ ارتباط با خانواده ها و دادن تسهیلات به معلمان با مهارت و آموزش مهارت های حرفه ای در درس پژوهی به معلمان به عنوان سازوکارهای توانمندی های معلمان ابتدایی بر پایه نشانگرهای مرتبط به درس پژوهی شناسایی شدند. در نهایت مدلی ترسیم شد که با مدل اولیه تفاوت هایی داشت. در مدل اولیه عوامل فردی، گروهی و سازمانی به عنوان عوامل اثر گذار بر توانمندسازی معلمان مد نظر قرار گرفتند و پیامدهای آن شامل، برنامه ریزی، اجرای درست و ایجاد فرهنگ شناسایی شدند. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود: پژوهشی مشابه در سایر موسسات آموزشی در سایر استان های کشور و یا در صنایع دیگر انجام شود و نتایج حاضر مقایسه شود. از ابزارهای دیگر پژوهش در سایر پژوهش های مشابه استفاده شود.

از جمله نقاط ضعف پژوهش می توان به محدود بودن جامعه آماری به شهر تهران و همچنین محدودیت در انتخاب خبرگان به واسطه شرایط جغرافیایی اشاره کرد. با توجه به خلأ های پژوهشی در رابطه با موضوع و همچنین جامع و کاربردی بودن موضوع پژوهش می توان انتخاب مناسب موضوع پژوهش یعنی ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی را از جمله نقاط قوت پژوهش حاضر دانست.

## References

Ali Mohammadi Gh A, Jabbari N, Niazazari K. (2019). Empowering teachers' professions in the future and presenting a model. *Educational Innovations*, Vol.69, No.18, Pp. 32-7. [In Persian]

نشان داد که گروه های درس پژوه و عادی از نظر فراهم آوری فرصت های یادگیری، آگاهی از نظریه های یادگیری؛ استفاده از وسایل آموزشی و کمک آموزشی؛ علاقه مندی به افزایش دانش و مهارت های شغلی و ترغیب دانش آموزان به کار گروهی تفاوت معناداری داشته اند. در سه مؤلفه بهره گیری از شیوه های صحیح ارزشیابی؛ سازمان دهی و مدیریت کلاس درس و کاربرد نظریه های یادگیری تفاوت معناداری مشاهده نشده است. این یافته ها با یافته های پژوهش حاضر همسویی دارد و عنوان می کند که بهسازی مهارت و دانش از مولفه های درس پژوهی است.

نتایج پژوهش حاضر همچنین با نتایج پژوهش کشت ورز و اناری نژاد (1398)، که در پژوهشی نشان دادند که بین نمرات توانمندسازی معلمان شرکت کرده در فرایند درس پژوهی و معلمان شرکت نکرده در این فرایند تفاوت معناداری وجود دارد همسو بود.؛ همچنین یافته های تحقیق بیانگر آن بود که بین نمرات معلمان شرکت کرده و شرکت نکرده در فرایند درس پژوهی در استانداردهای طراحی و برنامه ریزی آموزشی، ایجاد و حفظ جو یادگیری، اجرا و انجام تدریس، سنجش و برقراری ارتباط با نتایج یادگیری، ارزیابی و انعکاس یادگیری و آموزش، همکاری بیشتر معلمان، فعالیت در جهت تقویت دانش محتوایی و تکنولوژی آموزشی تفاوت معناداری وجود دارد. از این رو می توان گفت که درس پژوهی می تواند منجر به توسعه توانمندی های معلمان شود.

گادفری و همکاران (2019)، نیز در پژوهشی نشان دادند که استفاده از رویکرد درس پژوهی به مهارت افزایی و توسعه مهارت های حرفه ای معلمان کمک می کند. این مهارت ها را مهارت دانشی، نگرشی و قابلیت دانسته اند که با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد.

در این پژوهش به سازوکارهای مختلفی نیز اشاره شده است. این سازوکارها، به توانمندسازی معلمان مبتنی بر رویکرد درس پژوهی کمک می کنند. این سازوکارها شامل، تدوین برنامه عملیاتی برای توسعه درس پژوهی در

- Pejman M, Ghanbarian P, Ghanbari S (et al). (2017). The effectiveness of the curriculum on the professional skills of teachers working in exceptional education in Hamadan province. *New Educational Approaches*, Vol.12, No.1, Pp. 76-74. [In Persian]
- Petrič G, Atanasova S, Kamin T. (2017). Impact of social processes in online health communities on patient empowerment in relationship with the physician: emergence of functional and dysfunctional empowerment. *Journal of medical Internet research*, Vol.19, No.3, Pp. 74.
- Sarkararani M R. (2014). Vision: Curriculum change to improve education. *Teacher Growth*, Vol.282, Pp. 37-34. [In Persian]
- Skott C K, Møller H. (2020). Adaptation of lesson study in a Danish context: Displacements of teachers' work and power relations. *Teaching and Teacher Education*, Vol.87, Pp. 102945.
- Schipper T M, Van Der Lans R M, De Vries S (et al). (2020). Becoming a more adaptive teacher through collaborating in Lesson Study? Examining the influence of Lesson Study on teachers' adaptive teaching practices in mainstream secondary education. *Teaching and Teacher Education*, Vol.88, Pp. 102961.
- Thani M, Haji Anzaei Z, Ashraf Ganjavi F. (2018). The effect of psychological empowerment and psychological capital on individual readiness to change teachers in the Ministry of Sports and Youth. *Contemporary Research in Sports Management*, Vol.8, No.16, Pp. 54-41. [In Persian]
- Araban Sh. (2019). Teacher learning through study. *Farhangian University Vice Chancellor for Research Newsletter*, Vol.2 No.3, Pp. 111-130. [In Persian]
- Balkar B. (2015). Defining an empowering school culture (ESC): Teacher perceptions. *Issues in Educational*.
- Creswell J W, Poth C N. (2016). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Godfrey D, Seleznyov S, Anders J (et al). (2019). A developmental evaluation approach to lesson study: exploring the impact of lesson study in London schools. *Professional Development in Education*, Vol.45, No.2, Pp. 325-340.
- Jiang Y, Li P, Wang J (et al). (2019). Relationships between kindergarten teachers' empowerment, job satisfaction, and organizational climate: A Chinese model. *Journal of Research in Childhood Education*, Vol.33, No.2, Pp. 257-270.
- Keshtvarz E, Anari Nejad A. (2019). Investigating the effect of teaching course research on teacher empowerment. *Journal of Educational Research*, Vol.5, No.20, Pp. 54-38. [In Persian]
- Maleki Z, Abdolmohammadi J. (2015). Empowerment of a New Approach in Human Resource Management, 2nd International Conference on Iranian Islamic Economics, Management and Culture, Ardabil, Valiasr Institute of Cultural and Thought Pioneers, General Directorate of Islamic Culture and Guidance, Ardabil Province.[In Persian]
- Maroofi Y, Karami Z. (2015). Curriculum research, an approach to teacher professional development. Vol.6, No.1, Pp. 66-39. [In Persian]
- Mir Mohammadi S M, Hosseinpour D, Ghasemi Bonaberi H R. (2017). Key factors in the success of teacher empowerment. *Journal of Management Studies*, Vol.25, No.83, Pp. 114-93. [In Persian]

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور  
فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی  
سال دوازدهم، ویژه‌نامه 1400

## ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی (مورد مطالعه شهر تهران)

سیده معصومه ناصر شیخ الاسلامی: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

معصومه اولادیان<sup>\*</sup>: عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

ابوالفضل بختیاری: عضو هیئت علمی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران. (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی).

**چکیده:** پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس پژوهی (مورد مطالعه شهر تهران) انجام شد. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ گردآوری، ترکیبی (کیفی-کمی) بود. بر مبنای ماهیت داده‌ها نیز از نوع آمیخته بود. جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش، شامل خبرگان آموزش و پرورش و معلمان برتر مناطق آموزش و پرورش بود. حجم نمونه در بخش کیفی با استفاده از اصل اشباع نظری و از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری پژوهش، شامل، تمام معلمان ابتدایی شهر تهران به تعداد 3500 نفر بودند. جهت برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و 350 نمونه به صورت خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد. روایی و پایایی ابزارها مورد بررسی و تایید قرار گرفتند. در بخش کیفی، روش تحلیل داده‌ها کدگذاری نظری بود که با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام پذیرفت. در بخش کمی نیز، در قسمت استنباطی از آزمون‌هایی نظیر همبستگی پیرسون، آزمون تی تک نمونه‌ای، مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-19، Smart PLS-v2، Lisrel-v8.8 بهره گرفته شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که از میان 120 شاخص (گویه) موجود، 18 مولفه‌ی اصلی شناسایی شدند. بر این اساس، مولفه‌های دانش، مهارت، نگرش به عنوان عوامل تشکیل دهنده و عوامل فردی، عوامل سازمانی و عوامل گروهی به عنوان عوامل موثر شناسایی شدند.

**واژگان کلیدی:** توانمندسازی، معلمان ابتدایی، رویکرد درس پژوهی.

<sup>\*</sup>نویسنده مسؤول: عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

Email: m.oladian@yahoo.com